

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیرینی  
۰۷ فبروری ۲۰۱۷

## آتش سوزی در ساختمان پلاسکو، حادثه ای غیر مترقبه یا حاصل تبانی

در آخرین روز دی ماه [جدی] ۱۳۹۵ ساختمان ۱۷ طبقه پلاسکو، نماد تهران جدید و معماری معاصر در اثر آتش سوزی فروریخت و سپس، از نقشه تهران به کلی پاک شد.

آیا این که حبیب القانیان، رئیس انجمن کلیمیان ایران در احداث ساختمان پلاسکو در سالهای چهل در محلی مشرف به چهار سفارتخانه اروپائی هدف خاصی داشت یا نه، شواهد قابل استنادی در دست نیست.

اما این را به طور قطع می توان گفت که ده ها ساختمان پلاسکو به هر منظوری احداث شده باشند، به یک تار موی هموطنان جان باخته ام در این حادثه ناگوار نمی ارزند.

به ویژه این که، مردم ایران هم در دوره حاکمیت هزار فامیل پهلوی و هم در دوره حاکمیت روحانیت شیعه و حتی در دوره های بسیار پیشتر از این آخری ها و به طور کلی در طول تاریخ، میلیون ها برابر بیشتر از ضرر و زیان مادی ناشی از نابودی ساختمان پلاسکو را متحمل شده است. این یکی هم روی همه آن ضرر و زیانها طرفه این که جبران خسارات مادی در همه حال ممکن و میسر است، اما جبران خسارت انسانی بدون استثناء هرگز نه. و دردناکترین بخش حادثه نیز همین است.

طبق گزارشات رسمی، غائله ساختمان پلاسکو با کشته شدن بیست نفر از هموطنان ما، چهار نفر از هموطنان عادی و شانزده نفر آتش نشان که منبع امید و محل التجاء انسانها در شرایط دشوار هستند و در این حادثه نیز در طریق نجات انسانها همچو پروانه جان به دل آتش سپردند، پایان یافت. هولناکترین پیامد آتش سوزی در ساختمان پلاسکو نیز همین است نه خود ساختمان. چرا که مرگ حتی یک نفر در حوادث طبیعی یا غیر طبیعی، تا چه رسد به بیست نفر، یک فاجعه عظیم است به ابعاد تاریخ هستی. البته، آگاهان درک می کنند که این یک اظهار همدردی انسادوستانه ساده و یا ادعای صرف نیست. ژرفا و معنای این مدعا را فقط «بشردوستان» امپریالیستی نمی فهمند که کشتار هزار - هزار از انسانها به دست نیروها و عوامل قبله گاهشان را یا اغلب مسکوت می گذارند یا به عناوین مختلف توجیه می کنند.

آتش سوزی ساختمان پلاسکو فاجعه هولناک ناشی از آن دیگر به تاریخ پیوست و بی تردید بازگرداندن گذشته ممکن نیست. درست است که از ابتدای شروع آتش سوزی و طی روزهای منتهی به ختم غائله و حتا پس از آن نوشتارها و

تجزیه و تحلیل‌های بسیاری در باره این حادثه انتشار یافت. ضمن هم‌رأی با اغلب آنها، اما در اکثریت مطالب منتشره چند نکته ناپیدا و نتیجه‌گیری بر مبنای آن ناپیداها بیش از همه توجه و نظر مرا به خود مشغول داشته است و آن این که:

- شهرداری تهران مدعی است که در مورد سطح پائین ایمنی ساختمان پلاسکو قبلاً هشدار یا هشدارها داده بود؛

- گزارشهای منتشره، از جمله، در تلویزیون شبکه خیر حاکی از آن بود که در روزهای آواربرداری ساختمان پلاسکو، تقاضاها برای بیمه ۵۰۰ برابر افزایش یافت؛

- فروش ابزار و تجهیزات هشداردهنده نیز به همین منوال، چند صد برابر شد؛

- صاحبان ساختمانهای خالی و نیمه‌خالی محل اشتغال (فعالاً صلواتی) برای ۵۶۰ واحد تولیدی و تجاری از میان رفته در ساختمان پلاسکو پیشنهاد کردند؛

نکات فوق را با طرح دو سؤال اساسی پی می‌گیریم:

اول - گمان نمی‌رود هشدارهای شهرداری تهران در خصوص سطح نازل ایمنی ساختمان پلاسکو بی‌دلیل و اساس بوده، بی‌شک، در جریان بازرسی‌های کارشناسی - فنی به چنین نتیجه‌گیری رسیده است. اما، آیا شهرداری به عنوان یک نهاد مسئول به لحاظ قانونی و حتی عرفی - اخلاقی اختیار داشت و دارد که فقط با دادن هشدار از پیگیری مشکل ایمنی ساختمان صرف‌نظر نموده و از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کند؟ به گمانم نه! مثال می‌زنیم. به فرض، کسی یا نهادی متوجه می‌شود که احتمال شکستن پل وجود دارد. آیا موظف است فقط با هشدار به عابران بسنده نماید، یا به حکم وظیفه باید با بهره‌گیری از همه راههای ممکن به قطع کامل عبور و مرور از روی پل تا رفع مشکل مبادرت نماید؟ بی‌تردید، به حکم خرد و منطق و همچنین، به لحاظ قانونی نیز کاربست شق دوم برای جلوگیری از وقوع فاجعه از اهم واجبات است و کوتاهی در انجام این وظیفه خطیر غیرقابل اغماض پس چرا شهرداری تهران به وظیفه قانونی خود عمل نکرد؟

دوم - چرا بنیاد مستضعفان، در مقام مالک ساختمان پلاسکو و مسئول اصلی تأمین ایمنی آن به هشدارهای شهرداری تهران بی‌اعتنائی کرد، ترتیب اثر نداد؟

بر اساس نکات فوق‌الذکر و پاسخ منطقی دو پرسش اخیر می‌توان به یک استنتاج به نسبت مطمئن‌تری رسید. منتها، پیش از نتیجه‌گیری کلی، ذکر این نکته جای دارد، که شرکت‌های بیمه در مجموع، از زمره آن شرکتهایی هستند که به سرمایه اولیه بزرگی نیاز ندارند. کل سرمایه آنها را یک دفتر کار و چند نفر آدم حراف قادر به انجام سحر و جادو که بتوانند به اتکای مصوبات قوه مقننه و با حمایت قوه مجریه کشور به فریب مردم و اخاذی قانونی از آنها موفق شوند، تشکیل می‌دهد. با این حساب، بیش از ۹۰ درصد اخاذی‌های شرکت‌های بیمه، در بدترین حالت ممکن، سود است.

بر مبنای موارد مذکور می‌توان درک نمود، که چرا شهرداری تهران به جای انجام وظیفه قانونی خود، به دادن هشدار بسنده کرد و چرا بنیاد مستضعفان هشدارهای شهرداری را ناپیده گرفت. پاسخ ساده و در عین حال منطقی این چراها به این نتیجه‌گیری منتهی می‌شود، که حادثه آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو، اقدامی حساب‌شده و محصول تیبانی گروهی همه و یا حداقل برخی از مسؤولان ارشد ۱ - شهرداری تهران؛ ۲ - بنیاد مستضعفان؛ ۳ - مدیران و صاحبان شرکتهای بیمه؛ ۴ - واردکنندگان یا تولیدکنندگان ابزارها و تجهیزات هشداردهنده؛ ۶ - مالکان ساختمانها و اماکن خالی و نیمه خالی و ۶ - رابطین احتمالی سفارتخانه‌های نزدیک به ساختمان پلاسکو بوده، که به احتمال قوی، منافع مشترک در وقوع این حادثه فاجعه‌بار دارند.

در پایان لازم به ذکر است، که آتش‌سوزی ساختمان پلاسکو اگر نه به لحاظ ابعاد و گستره پیامدها، بلکه، به لحاظ مضمون، شباهت‌های زیادی با حوادث از قبل برنامه‌ریزی شده ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ واشینگتن و نیویورک دارد که امپراتوری امریکا آن را مستمسک عوام‌پسندان‌های برای شروع دور جدید جنگ‌های استعماری قرار داد.

یاد همه جان‌باختگان حادثه دلخراش ساختمان پلاسکو گرامی باد!

۱۸ بهمن - دلو ۱۳۹۵